

چگونگی تاثیر فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی بر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ تکوین نقش دولت رسالت‌محور

حسین سلیمی^۱ - سیدامین حجازی^۲

دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۲ - پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۹

چکیده

یکی از هنجارهای داخلی موثر بر سیاست خارجی کشورها، فرهنگ راهبردی است که به نقش هر بازیگر در عرصه روابط بین‌الملل شکل می‌دهد. لذا نخبگان سیاسی با فرهنگ‌های راهبردی متفاوت، در موقعیت‌های مشابه در عرصه بین‌المللی، رفتار سیاست خارجی متفاوتی را اجرا می‌کنند. در واقع، هنجارهای متفاوت در فرهنگ راهبردی دولت‌ها موجب می‌شود تا ادراک متفاوتی از واقعیت‌های مشابه داشته باشند. بر این اساس، هنجارهای شکل‌دهنده به فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ایران بر رفتار سیاست خارجی آن موثرند. لکن مسئله این است که رفتار سیاست خارجی ج.ا. چگونه از فرهنگ راهبردی متاثر می‌شود. پرسش اصلی این است که فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی چگونه بر رفتار سیاست خارجی ج.ا.ایران اثرگذار بوده است؟ چارچوب نظری مقاله، تلفیقی از نظریه سازه‌انگاری و رویکرد فرهنگ راهبردی است و برای فهم فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.، از روش تحلیل محتوای کیفی قیاسی بهره گرفته شده است. فرضیه محققان که پس از بررسی مورد تأیید قرار گرفت این است که هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی موجب تکوین نقش ملی دولت رسالت‌محور برای ج.ا. گردیده و متناسب با آن، رویکردهای رفتاری استقلال‌طلبی، فراملی‌گرایی و تجدیدنظرطلبی را در سیاست خارجی ج.ا.ایران به دنبال داشته است.

واژگان کلیدی: فرهنگ راهبردی، رفتار سیاست خارجی، نخبگان سیاسی، دولت رسالت‌محور، تجدیدنظرطلبی

۱. استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) hoseinsalimi@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران aminhejazi30@gmail.com

مقدمه

رفتار سیاست خارجی هر کشور متأثر از عوامل گوناگون داخلی یا بین‌المللی است. سازه‌انگاران، رفتار سیاست خارجی کشورها را برخاسته از هنجارها می‌دانند و معتقدند رفتار سیاست خارجی دولت‌ها منطبق با تفسیر هویت خودشان است. این هنجارها شامل دو بعد هنجارهای بین‌المللی و هنجارهای داخلی است. در دهه‌های اخیر، مطالعات بسیاری در روابط بین‌المللی استدلال می‌کنند که هنجارهای داخلی معمولاً بخش مهمی از تبیین رفتار سیاست خارجی دولت‌ها را به عهده دارد. یکی از هنجارهای داخلی، فرهنگ راهبردی است که به هویت و نقش هر بازیگر در عرصه روابط بین‌الملل شکل می‌دهد. برابر مبانی و گزاره‌های رویکرد فرهنگ راهبردی، نخبگان سیاسی با فرهنگ‌های راهبردی متفاوت، در موقعیت‌های مشابه در عرصه بین‌المللی، رفتار سیاست خارجی متفاوتی را اجرا می‌کنند. در واقع، هنجارهای متفاوت در فرهنگ راهبردی دولت‌ها موجب می‌شود تا ادراک متفاوتی از واقعیت‌های مشابه داشته باشند.

بر این اساس، هنجارهای شکل‌دهنده به فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ایران بر رفتار سیاست خارجی آن موثرند. لکن مسئله این است که رفتار سیاست خارجی ج.ا. چگونه از فرهنگ راهبردی متأثر می‌شود. بنابراین مسائل این است که اولاً هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا. کدامند و دوم اینکه، این هنجارها چگونه بر رفتار سیاست خارجی ج.ا. تاثیر می‌گذارند. هدف اصلی تحقیق، مطالعه چگونگی تاثیرگذاری فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی بر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در واقع مقاله به دنبال فهم نظام‌مند هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ایران هستند که سیاست خارجی ایران را تحت تاثیر قرار می‌دهند. در ادامه با رویکردی سازه‌انگارانه تاثیر هنجارهای مزبور بر رفتار سیاست خارجی کشور تبیین می‌شود. نظر به اهمیت و ضرورت فرهنگ راهبردی در جهت‌دهی سیاست خارجی و فقدان چارچوب نظری مدون برای بهره‌گیری از رویکرد فرهنگ راهبردی، به منظور تحلیل سیاست خارجی کشورها و کمبود منابع علمی مربوط به تاثیر فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی بر سیاست خارجی ج.ا.، اهمیت و ضرورت این پژوهش را دوچندان می‌کند و زمینه را برای پژوهش‌های دیگر در این

خصوص مهیا می‌نماید.

پرسش اصلی مقاله این است که فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی چگونه بر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اثرگذار بوده است؟ فرضیه این است که هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی موجب تکوین نقش ملی دولت رسالت‌محور برای ج.ا.ا گردیده و متناسب با آن، رویکردهای رفتاری استقلال‌طلبی، فراملی‌گرایی و تجدیدنظرطلبی را در سیاست خارجی ج.ا.ا ایران به دنبال داشته است. در این مقاله، فرهنگ راهبردی به عنوان متغیر مستقل، نقش ملی به عنوان متغیر میانجی و رفتار سیاست خارجی به عنوان متغیر وابسته تلقی می‌شود و برای چارچوب نظری، از تلفیق نظریه سازه‌انگاری (سطح واحد) و رویکرد فرهنگ راهبردی استفاده شده است. در این مقاله برای فهم فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ا، از روش تحلیل محتوای کیفی قیاسی استفاده شده است. بدین ترتیب، ابتدا مفروضات و گزاره‌های اصلی رویکرد فرهنگ راهبردی و چگونگی تلفیق آن با نظریه سازه‌انگاری بیان می‌گردد. سپس، منابع شکل‌دهنده به فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ا مرور می‌شود و در ادامه، هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ا ایران که در رفتار سیاست خارجی آن موثرند، بررسی می‌شود. سپس نحوه تاثیر فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی بر تکوین نقش ملی ج.ا.ا ایران بررسی و در انتها، چگونگی تاثیر فرهنگ راهبردی بر رفتار سیاست خارجی ج.ا.ا ایران تبیین می‌گردد.

برابر بررسی بعمل آمده طی سال‌های اخیر، مقالاتی مرتبط با فرهنگ راهبردی ج.ا.ا ایران منتشر شده است از جمله مقاله‌های «فرهنگ راهبردی ج.ا.ا؛ زمینه‌های ایجابی، شاخص‌های اساسی» (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰)، «پایان جنگ تحمیلی و فرهنگ راهبردی ایران» (یزدان‌فام، ۱۳۹۳)، «دفاع مقدس، فرهنگ راهبردی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی» (پورسعید، ۱۳۹۳)، «تحول فرهنگ راهبردی ج.ا.ا ایران در دوران دفاع مقدس» (ولی‌پور، ۱۳۹۳)، «درآمدی بر فرهنگ راهبردی ج.ا.ا ایران» (ولیزاده و دیگران، ۱۳۹۴)، «شالوده‌شکنی گفتار ایرانیان: تحلیل فرهنگ راهبردی» (DeGroot and Others, 2008)، «فرهنگ راهبردی ج.ا.ا ایران» (Eisenstadt, 2015) و «فرهنگ راهبردی ایران: تاثیر تفسیر امام خمینی از اسلام شیعی» (Taremi, 2014) که در این مقالات، منابع و عوامل شکل‌دهنده به فرهنگ راهبردی و

همچنین اصول، مولفه‌ها و شاخص‌ها و هنجارهای فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران مطالعه شده است؛ لکن به تاثیر فرهنگ راهبردی بر رفتار سیاست خارجی ایران اشاره‌ای نشده است. افزون بر این، در خصوص تاثیر فرهنگ راهبردی بر سیاست خارجی ج.ا.ایران، مقالات معدودی در داخل و خارج از کشور منتشر شده که به برخی از ابعاد این موضوع پرداخته‌اند. از جمله ویلیس استانی در مقاله «فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران»، مشخصات فرهنگ راهبردی ایران را ارائه می‌دهد و تصمیم‌گیری ایران درباره سلاح‌های کشتار جمعی را تحت تاثیر فرهنگ راهبردی می‌داند (Stanley, 2006). همچنین سهیل گودرزی و دیگران در مقاله «بررسی رابطه ج.ا.ایران و ایالات متحده امریکا در پرتو فرهنگ راهبردی»، از طریق مطالعه مقایسه‌ای عناصر و مولفه‌های فرهنگ راهبردی دو کشور، تصویری از مناقشه ایران و امریکا به دست می‌دهد (گودرزی و دیگران، ۱۳۹۶). ضمن اینکه آنتونی کین در مقاله «فرهنگ راهبردی ایران و سلاح‌های کشتار جمعی» رابطه بین فرهنگ راهبردی ایران و سلاح‌های کشتار جمعی را تجزیه و تحلیل می‌کند (Cain, 2002). یاسویوکی ماتسونوگا در مقاله «فرهنگ راهبردی ایران و مسئله هژمونی» به دنبال پاسخ به این پرسش است که چرا ایران با وجود هجمه جامعه بین‌المللی و پرداخت هزینه‌های گزاف، دست از انرژی هسته‌ای برنمی‌دارد؟ و معتقد است ایران قدرت را برای سلطه نمی‌خواهد؛ بلکه برای مقاومت و استقامت در برابر سلطه می‌خواهد (Matsunaga, 2012). افزون بر این، جنیفر نپر در مقاله «سلاح‌های هسته‌ای و فرهنگ راهبردی ایران» با ارزیابی عناصر فرهنگ راهبردی، معتقد است ایران به سمت قابلیت هسته‌ای به عنوان عامل بازدارنده دفاعی برای تسلط بر منطقه و کاهش حس نافرمانی خود از ناامنی می‌رود (Knepper, 2008). لکن هیچکدام از مقالات مزبور، به طور خاص به موضوع این مقاله یعنی «چگونگی تاثیر فرهنگ راهبردی بر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» نپرداخته‌اند و هر کدام بخش‌هایی از مفاهیم و متغیرهای مرتبط با این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند.

چارچوب نظری: تلفیق نظریه سازه‌نگاری و رویکرد فرهنگ راهبردی

در سال ۱۹۷۷، جک اسنایدر برای اولین بار مفهوم فرهنگ راهبردی را بکار برد و از آن زمان، این مفهوم وارد تحلیل‌های بین‌المللی شد (Graham, 2014: 12). فرهنگ راهبردی شامل

مجموعه هنجارهایی است که نگرش نخبگان و عموم مردم یک کشور درباره بکارگیری زور در سیاست خارجی را مشخص می‌کند. کالین‌گری معتقد است که سیاستگذاران هر کشور، تفسیر خاصی از شیوه مناسب رفتار راهبردی دارند (DeGroot & others, 2008: 4). بنابراین فرهنگ راهبردی به عنوان مفروضات اساسی و پایدار نخبگان سیاسی و نظامی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است (Scobell, 2002: 2). مولفه‌های اصلی فرهنگ راهبردی که بر رفتار سیاست خارجی کشورها موثرند، به شرح زیر است:

۱- نقش جنگ در روابط بین‌الملل؛

۲- ماهیت دشمن؛

۳- کارایی توسل به زور (جانستن، ۱۳۹۰: ۳۶۰).

مفهوم فرهنگ راهبردی را از طریق نظریه سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل بهتر می‌توان درک کرد (Meyer, 2004: 3). زیرا مطالعه فرهنگ و روابط بین‌الملل تقریباً با سازه‌انگاری همانند تلقی می‌شود. منظور سازه‌انگاران از فرهنگ، عموماً هنجارهای اجتماعی و شیوه‌های به‌کارگیری آنها از طریق استدلال و برقراری ارتباط برای شکل دادن به هویت و منافع بازیگران است. به لحاظ روش‌شناختی، این امر عموماً مستلزم شناسایی یک هنجار خاص یا مجموعه‌ای از هنجارها و ردیابی تاثیر آنها بر کنش و رفتار سیاسی است (رویس اسمیت، ۱۳۹۵: ۳۰۳). سازه‌انگاران می‌گویند که تمرکز آنها بر ایده‌ها و هنجارها (از جمله فرهنگ راهبردی)، رفتار کشورها را بهتر تبیین می‌کند (Rynning, 2003: 481). زیرا محیط امنیتی که دولت‌ها در آن جایگیر می‌شوند، تا حد چشمگیری فرهنگی است نه صرفاً مادی (چپرسن و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۳). همه سازه‌انگاران موافقند که هویت دولت‌ها در محیط اجتماعی سیاست بین‌المللی و داخلی ساخته شده‌اند؛ لکن آنها در مورد تعریف هویت و وزن محیط‌های بین‌المللی و داخلی در شکل دادن به هویت‌های دولتی اختلاف نظر دارند (Sikkink, 2001: 399). سازه‌انگاری سطح واحد، عکس سازه‌انگاری سیستمی است و به جای تمرکز بر حوزه خارجی و بین‌المللی، بر رابطه میان هنجارهای داخلی با رفتار دولت‌ها تمرکز دارد (کاریو و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۹۴). سازه‌انگاری سطح واحد بر اهمیت تغییرات در داخل کشور و تاثیر آن بر رویکرد همکاری یا رقابت با سایر کشورها تاکید می‌کند. با توجه به این

روش، فرآیند اجتماعی‌سازی یک دولت در داخل می‌تواند جدا از تعامل آن دولت در سطح بین‌المللی، نقش و رفتار سیاست خارجی را تغییر دهد (Mohammad Nia, 2010: 153). در این چهارچوب، فرهنگ راهبردی از جمله هنجارهای داخلی است که در هویت‌سازی یک بازیگر نقش دارد. به عبارتی، برداشت‌ها و روایت‌های مختلفی در درون هر فرهنگ راهبردی وجود دارد و هر کدام از این برداشت‌ها، بازتابی متفاوتی از سیاست خارجی و مسائل مربوط به آن را موجب می‌گردد (رسولی ثانی‌آبادی و میرحسینی، ۱۳۹۴: ۲۴۶).

سازمان‌نگاران رفتار بازیگران سیاسی را با توجه به هویت و نقش بازیگران در جامعه تبیین می‌کنند (Lebow, 2008: 3). در رهیافت سازمان‌نگارانه به فرهنگ راهبردی، هنجارهای تشکیل‌دهنده فرهنگ راهبردی هر کشور، نقش ملی آن کشور را تعریف می‌کنند (2011: 63). به عبارتی، رویکرد فرهنگ راهبردی فرض می‌کند که رفتار کشور مبتنی بر برداشت‌ها در مورد نقش آن کشور در سیاست بین‌المللی ساخته می‌شود (Neumann & Henrikki, 2005: 6). بدین ترتیب، فرهنگ راهبردی متفاوت کشورها، رفتار سیاست خارجی متفاوتی را به دنبال دارد. بنابراین فرهنگ راهبردی با تعریف نقش ملی، بر رفتار سیاست خارجی کشور تاثیر می‌گذارد (Balamir, 2007: 75). بدین ترتیب، فرهنگ راهبردی نقش یک متغیر مستقل را در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی برای درک رفتار کشورها ایفا می‌کند (Meyer, 2004: 3).

در این مقاله، تلفیقی از نظریه سازمان‌نگاری (سطح واحد) و رویکرد فرهنگ راهبردی برای مطالعه فرهنگ راهبردی و تاثیر آن بر رفتار سیاست خارجی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. کاربست این تلفیق نظری بدین گونه است که ابتدا مراجع فرهنگ راهبردی کشور یعنی کسانی که بر سیاست خارجی موثرند (مانند نخبگان سیاسی و نظامی یا عموم مردم) شناسایی و تعیین می‌گردند. سپس منابع شکل‌دهنده به فرهنگ راهبردی کشور که شامل دین، تجربه‌های تاریخی، جغرافیا و ... است، بررسی می‌شود و در این راستا، باید تفسیر این رویدادها در میان نخبگان سیاسی و گروه‌های مختلف در جامعه به طور موشکافانه مورد توجه قرار گیرد. سپس هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان یا عموم مردم آن کشور با استفاده از روش‌های مختلف پژوهش از جمله تحلیل محتوای بیانات یا نظرسنجی و پیمایش و مصاحبه احصاء خواهد شد. خاطر نشان می‌گردد فرهنگ

راهبردی نخبگان و مردم یک کشور می‌تواند یکسان یا چندوجهی باشد که با استفاده از مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای قابل دستیابی است. در اینجا مطابق با نظریه سازه‌انگاری سطح واحد، فرهنگ راهبردی به عنوان یکی از هنجارهای داخلی کشور تلقی می‌شود. در ادامه، تاثیر هنجارهای فرهنگ راهبردی بر تکوین و تعریف نقش ملی آن کشور بررسی می‌شود. زیرا فرهنگ راهبردی هر کشور با توجه به هنجارهای آن، منجر به تعریف نقش ملی برای آن کشور توسط نخبگان یا عموم مردم خواهد شد. در انتها، تاثیر نقش ملی خاص کشور بر رفتار سیاست خارجی آن کشور مطالعه و واکاوی خواهد شد.

اگر فرهنگ راهبردی به گونه‌ای تغییر یابد که متناظر با آن هیچگونه تغییری در رفتار سیاست خارجی رخ ندهد، آنگاه می‌توان رابطه مسلم فرض شده میان این دو متغیر را زیر سوال برد. همچنین اگر بدون تغییر در باورها و ارزش‌های ابراز شده‌ای که در پیوند با سیاست‌های پیشین بوده‌اند رفتار تغییر یابد، آنگاه باز هم می‌توان در ارتباط این دو عامل تردید کرد (برگر، ۱۳۹۰: ۹۶). بدیهی است در صورت انطباق تحولات فرهنگ راهبردی با رفتار سیاست خارجی کشور، می‌توان ارتباط میان این دو متغیر را تایید نمود.



شکل ۱: تلفیق نظریه سازه‌انگاری و رویکرد فرهنگ راهبردی

منابع فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران

فرهنگ راهبردی ج.ا.ا ریشه در فرهنگ عمومی و فرهنگ سیاسی ایران دارد. لذا با توجه به اینکه باورها و نگرش‌های بین‌الادّهانی برگرفته از تاریخ و مذهب، بنیان‌های فرهنگ عمومی و سیاسی ایرانیان را ایجاد می‌کند، بنابراین به تبع آن، منابع اصلی فرهنگ راهبردی ج.ا.ا ایران شامل اسلام شیعی، تجارب تاریخی ایرانیان، موقعیت ژئوپلیتیک و نظام بین‌الملل در نظر گرفته شده است.

الف - اسلام شیعی

فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران و مبانی هویت سیاسی در ایران را بدون توجه به عنصر مذهب، نمی‌توان مورد بررسی قرار داد. به عبارتی، گرایش به مذهب در هر شرایطی یکی از اصلی‌ترین عناصر سازنده هویت ایرانیان بوده است (سلیمی، ۱۳۸۶: ۴۳). اسلام شیعی نقش اساسی در فرهنگ راهبردی ایران ایفا می‌کند و یکی از مهمترین دریچه‌های فرهنگی است که از طریق آن سیاستمداران ایرانی، دیدگاه‌های خود را نسبت به نظام بین‌الملل بیان می‌کنند (DeGroot and others, 2008: 23).

ب - تجارب تاریخی ایرانیان

فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران محصول بررسی طیف وسیعی از تجربیات و واقعیت‌های عملی ایرانیان و خاطرات باشکوه ایران است که از اجداد خود به ارث برده‌اند (20-21: 2006 Stanley, از سوی دیگر، خاطرات تاریخی ایرانیان مملو از نفوذ کشورهای خارجی و آسیب‌های آن برای کشور است. بنابراین عوامل تاریخی در درک ایرانیان تاثیر می‌گذارد (Haji-Yousefi, 2010: 16).

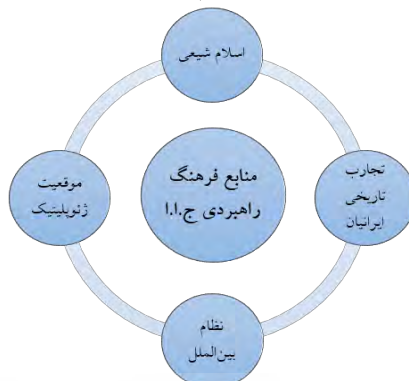
پ - موقعیت ژئوپلیتیک

جغرافیای ایران نقش مهمی در تاریخ و تفکر راهبردی ج.ا.ایران دارد. فلات ایران که توسط کوه‌های زاگرس و البرز تشکیل شده و بین دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب قرار دارد، موقعیت بسیار ویژه‌ای در منطقه جنوب غربی آسیا است (3: 2015 McInnis, این محدوده طبیعی نسبی «احساس یکپارچگی فیزیکی» را افزایش داده و هویت فرهنگی منحصر به فردی را به وجود آورده است (Howard, 2013: 29).

ت - نظام بین‌الملل

یکی دیگر از منابع فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران، نظام بین‌الملل است. از زمان تشکیل نظام ج.ا.ا. در سال ۱۳۵۷، مردم و مسئولان ج.ا.ایران از محیط منطقه‌ای همیشه متلاطم و همچنین محذوریت‌های ناشی از نظام بین‌الملل تاثیر پذیرفته‌اند (Afrasibi and, Maleki 2003: 255).

ج.ا.ایران در حال حاضر نیز خود را در یک محیط خصومت‌آمیز با نظام بین‌الملل مشاهده می‌کند که این موضوع در فرهنگ راهبردی مسئولان و مردم تاثیر گذار است (Strain, 1996: 20-21).



شکل ۲: منابع فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ایران

هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران

از لحاظ روش‌شناسی، در این تحقیق برای گردآوری داده‌ها و فهم فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ا، از روش تحلیل محتوای کیفی قیاسی استفاده شده است. بهره‌گیری از رویکرد تحلیل محتوای کیفی، زمانی ضرورت می‌یابد که پیرامون موضوع تحقیق، دیدگاه‌های نظری گوناگونی وجود دارد و هدف از انجام تحقیق، آزمون نظریه‌های پیشین یا بسط آنها در یک زمینه متفاوت است. نظریه‌ها و ادبیات موجود در یک زمینه می‌تواند به پیش‌بینی متغیرها و روابط میان آنها کمک کند و موجب می‌گردد که به تعریف عملیاتی مفاهیم مورد نظر دست پیدا کنیم و این تعریف عملیاتی، مقولات مورد نیاز پژوهش را فراهم می‌آورد.

«واحد تحلیل» کوچکترین جزء پیکره متن است که برای رسیدن به هدف تحقیق، اندازه‌گیری و شمارش می‌شود. «واحد تحلیل» در این تحقیق، «مضمون» می‌باشد. «مقوله تحلیل» متغیرهایی هستند که در تحلیل محتوا اندازه‌گیری می‌شوند. با توجه به اینکه در تحلیل محتوای کیفی قیاسی، منبع تعیین کد، استخراج کدها از نظریه یا یافته‌های تحقیقی قبلی است؛ بر این اساس، هنجارهای فرهنگ راهبردی ج.ا.ا که بر اساس مطالعات اولیه به دست آمده است (داده‌های ثانویه) به عنوان مقولات تحلیل در نظر گرفته شدند و جدول مقوله‌بندی برای مقایسه داده‌ها تشکیل شد. سپس با استفاده از این جدول مقوله‌بندی، همه داده‌ها که در اینجا

بیانات رهبران و روسای جمهور نظام ج.ا.ا. است، مرور شدند و در زیر مقولات مرتبط گنجانده شدند. شایان ذکر است که در بررسی متون، برخی مقولات که در مطالعات قبلی مورد توجه قرار نگرفته بودند، به مقولات مزبور اضافه گردیده است.



شکل ۳: مراحل فهم هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ایران

جامعه آماری این تحقیق به منظور فهم هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ا، شامل بیانات رهبران و روسای جمهور نظام ج.ا.ا. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان سال ۱۳۹۷ می‌باشد. زیرا در سیاست خارجی، نخبگان سیاسی بویژه نخبگان سیاسی حاکم با در اختیار داشتن سکان زمامداری جامعه، نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی کشور دارند. جامعه نمونه، مجموعه‌ای از واحدهای مورد مطالعه است که پژوهشگر قصد دارد از آنها یک نتیجه کلی بگیرد. متداول‌ترین روش نمونه‌گیری در روش‌های کیفی، نمونه‌گیری هدفمند است. به این معنا که نمونه‌هایی انتخاب می‌شوند که از نظر مسئله و اهداف پژوهش، غنی باشند؛ زیرا زمانی که با انبوهی از مطالب و متن‌ها روبرو هستیم، باید آگاهانه قسمتی را انتخاب کرد و تحلیل بر روی آنها انجام گیرد. بنابراین بیانات امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه، سفرها و کارداران ج.ا.ایران در سایر کشورها و همچنین متن سخنرانی روسای جمهور ج.ا.ا. در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به عنوان جامعه نمونه برای تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

برای احصاء هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ا. از تعریف جانستون درباره فرهنگ راهبردی استفاده شده که هنجارهای شایع در یک جامعه در خصوص موضوعات ذیل را دربرمی‌گیرد:

• ماهیت جنگ و صلح؛

• ماهیت دشمن؛

• ترجیحات راهبردی در توسل به زور (Rosa, 2013: 92-93).

بر این اساس، سه طبقه شامل «ماهیت جنگ و صلح»، «ماهیت دشمن» و «ترجیحات راهبردی در توسل به زور» به عنوان موضوعات اساسی فرهنگ راهبردی در نظر گرفته شد. برای هر یک از این طبقات نیز هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ا که بر اساس مطالعات اولیه در ادبیات تحقیق به دست آمده است (داده‌های ثانویه)، به عنوان مقولات تحلیل در نظر گرفته شدند و سپس تحلیل محتوای کیفی بر مبنای آنها در محدوده زمانی تحقیق برای بررسی هنجارهای فرهنگ راهبردی ج.ا.ا ایران صورت گرفت و کدهای ذریبط از متون جامعه نمونه استخراج گردید و سپس تحلیل و تفسیر بر روی آنها صورت گرفت. شایان ذکر است که در بررسی متون، برخی مقولات که در مطالعات قبلی مورد توجه قرار نگرفته بودند، به مقولات مزبور اضافه گردیده است. جدول مقوله‌بندی (کدگذاری) برای بررسی هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ا به شرح زیر است:

جدول ۱: مقوله‌بندی (کدگذاری) هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ا

مقوله (هنجار)	طبقه
صلح‌طلبی عادلانه	ماهیت جنگ و صلح
جهاد دفاعی	
مقابله با ظالم و دفاع از مظلوم	
نفی نظام سلطه	ماهیت دشمن
بی‌اعتمادی به بیگانگان	
استقلال‌طلبی و خودکفایی	ترجیحات راهبردی در توسل به زور
منزلت‌طلبی و برتری‌گرایی	
پایداری و مقاومت	
دفاع همه‌جانبه	
حفظ و بقای نظام (مصلحت‌گرایی)	
بازدارندگی	
قدرت نرم	

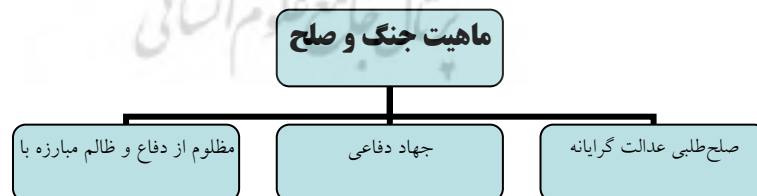
در ادامه، نمونه‌هایی از مضامین اصلی مرتبط با هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ایران به تفکیک سه طبقه بالا بیان می‌گردد:

ماهیت جنگ و صلح

جدول «۲»: هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ایران مرتبط با «ماهیت جنگ و صلح»

طبقة	مقوله (هنجار)	مصادیق در داده‌ها
ماهیت جنگ و صلح	صلح طلبی عادلانه	<ul style="list-style-type: none"> • ما صلح را استقبال می‌کنیم، لکن صلح شرافتمندانه اسلامی (امام خمینی، ۱۳۶۱/۷/۱۱). • ما صلح می‌خواهیم. ما با همه مردم دنیا صلح می‌خواهیم باشیم. • ما می‌خواهیم مسالمت با همه دنیا داشته باشیم (امام خمینی، ۱۳۶۲/۱۱/۲۸). • ما تعدی به هیچ کشوری به واسطه دستوری که به ما رسیده است از اسلام، نخواهیم کرد (امام خمینی). • ما اهل تجاوز نیستیم. اهل زورگویی نیستیم (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۵/۲). • ما منافی در جنگ‌افروزی نداریم. منفعت ما در آرامش است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۲/۱۸). • ما مکرراً گفتیم که اگر چه سیاست ما سیاست صلح است، ولی ساختار دفاعی ما باید قوی باشد (هاشمی رفسنجانی). • جمهوری اسلامی ایران به اقتضای مبانی اعتقادی و مایه‌های تمدن دیرپای خود، خواستار جهانی سرشار از صلح و آرامش بر اساس کرامت انسانی است (خاتمی، ۱۳۷۷). • پیام امروز ملت تمدن‌ساز ما به ملت‌ها و دولت‌ها پیش به سوی آرامش و صلح پایدار بر اساس عدالت و معنویت است (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۴). • ایران نه فقط تهدید نیست، بلکه در آرمان و عمل، پیوسته منادی صلح عادلانه و امنیت همه‌جانبه بوده است (روحانی، ۱۳۹۲).
	جهاد دفاعی	<ul style="list-style-type: none"> • اگر صدام به ما حمله نکرده بود، ما کاری به عراق نداشتیم (امام خمینی، ۱۳۶۲/۱۱/۲۸). • مسأله دفاع از اسلام و کشور اسلامی و نوامیس مسلمین از

<p>واجبات کفایی است (امام خمینی). • امروز این جنگ برای ملت ما دارای معنایی بسیار مهم است. کوشش مجاهدت‌آمیز و فداکارانه برای سوزاندن ریشه تجاوز و اثبات این که یک ملت قادر است که علی‌رغم خواست قدرت‌های بزرگ از انقلاب و ثبات و شرف خود دفاع کند (خامنه‌ای، ۱۳۶۶).</p>	
<p>• از هر عادل‌تری دفاع می‌کنیم و بر هر ظالمی می‌تازیم (امام خمینی، ۱۳۵۸/۹/۹). • ما تحت رهبری پیغمبر اسلام این دو کلمه را می‌خواهیم اجرا کنیم؛ نه ظالم باشیم و نه مظلوم (امام خمینی، ۱۳۵۹/۱۱/۲۲). • ما دفاع از مسلمانان و دفاع از ملت مظلوم را جزو سیاست‌های اصولی خودمان می‌دانیم و از آن عدول نمی‌کنیم (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۵). • گرایش اسلامی در درون خود، ضد استکباری است، ضد ظلم است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۷). • اگر مقابله با ستمگران و زورگویان جهانی و حمایت از مظلومان، یاغی‌گری است، ما به آن افتخار می‌کنیم (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۵/۳۰). • این ملت خواستار برپایی دنیایی پر از زیبایی و مهرورزی برای آحاد ملت‌ها و انسان‌هاست و اعلام می‌نماید که ضمن دفاع قدرتمندانه از حقوق مشروع و قانونی خود، پاسدار صلح و امنیت پایدار برای همه ملت‌ها بر اساس عدالت، معنویت و کرامت انسانی است (احمدی نژاد، ۱۳۸۸). • رویکرد ما صلح‌خواهی و حمایت از حقوق ملت‌هاست. ما ظلم را نمی‌پسندیم و از مظلوم دفاع می‌کنیم (روحانی، ۱۳۹۶).</p>	<p>مقابله با ظالم و دفاع از مظلوم</p>



شکل ۴: هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ا مرتبط با «ماهیت جنگ و صلح»

ماهیت دشمن

جدول ۳: هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.م مرتبط با «ماهیت دشمن»

طبقه	مقوله (هنجار)	مصادیق در داده‌ها
ماهیت دشمن	نفی نظام سلطه	<ul style="list-style-type: none"> • انقلاب ما همچنین پیام بزرگ خود را نفی نظام سلطه در جهان می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۶۶). • نفی نظام سلطه، از مبانی سیاست خارجی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۵/۲۷). • شاخص سیاست خارجی ایران، نفی رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر و مقابله عاقلانه و هوشمندانه با نظام سلطه جهانی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۵/۳۰). • در هیچ موضوعی، زیر بار سلطه نمی‌رویم و شاخص دیپلماسی خود را مقابله با رفتار جهانی نظام سلطه و خروج از قاعده «سلطه‌گر - سلطه‌پذیر» می‌دانیم (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۵/۳۰). • رویای جهان تک قطبی و تحت قیمومیت یک قدرت، جز پنداری باطل و نشانه عقب ماندگی صاحبان این پندار از سیر تاریخ نیست (خاتمی، ۱۳۷۷). • دوران قطب‌بندی‌های ناشی از نظام سلطه‌گری و حکومت چند دولت بر جهان به پایان رسیده است (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۸). • رویکرد ما صلح‌خواهی و حمایت از حقوق ملت‌هاست. ما ظلم را نمی‌پسندیم و از مظلوم دفاع می‌کنیم. ما تهدید نمی‌کنیم و تهدید را از جانب هیچ کس نمی‌پذیریم (روحانی، ۱۳۹۶).
	بی‌اعتمادی به بیگانگان	<ul style="list-style-type: none"> • ملت ایران هیچ‌وقت به انگلیسی‌ها اعتمادی نداشته است. الان هم شما هر چیز بدی که در کشور پیدا کنید، هر حرکت بد و هر کار زشتی که مشاهده نمایید، می‌گویند این کار انگلیسی‌هاست (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱/۲۷). • اصل قضیه این است که امریکایی‌ها با اساس نظام جمهوری اسلامی یعنی نظام متکی بر نفی سلطه، مشکل دارند و تلاش می‌کنند یا این نظام را از بین ببرند که کار بسیار سختی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۵/۲۷). • مثل روز روشن است که همان برده‌داران و استعمارگران و مسییان جنگ اول و دوم و ناپسامانی‌های پس از آن تا به امروز با تغییر چهره بر شورای امنیت و مراکز اصلی اقتصادی و سیاسی جهان سیطره پیدا کرده‌اند (احمدی‌نژاد، ۱۳۹۰). • غرب‌ستیزی امروز، فرزند استعمارگری دیروز است. غرب‌ستیزی امروز، واکنش به نژادپرستی دیروز است (روحانی، ۱۳۹۳).



شکل ۵: هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ا مرتبط با «ماهیت دشمن»

ترجیحات راهبردی در توسل به زور

جدول ۴: هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ا مرتبط با «ترجیحات راهبردی در توسل به زور»

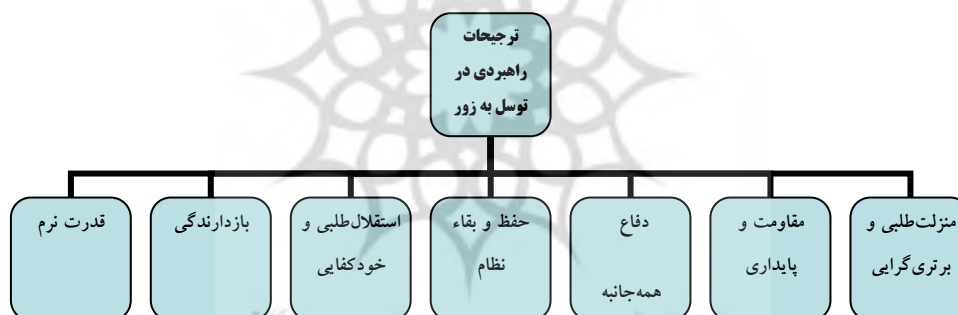
مصادیق در داده‌ها	مقوله (هنجار)	طبقه
<ul style="list-style-type: none"> • شما سفیر مملکت اسلامی هستید که از همه این قدرت‌ها، قدرت‌ش بالاتر است (امام خمینی، ۱۳۶۱/۱۰/۴). • من رئیس جمهور کشوری هستم که در یکی از بلندترین و حساسترین دوران‌های تاریخ مهد تمدن و کانون فرهنگ بشریت بوده است و اکنون نیز قلمرو نظامی است که بر همان پیشینه استوار بنا شده و به پشتوانه فرهنگی بی نظیر آن - که اکنون به برکت بیداری اسلامی غنای بیشتری یافته - تکیه کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۶۶). • مطرح شدن حضور مردمی و قوت اراده ملت‌ها به حد ایجاد یک قطب جدید در معادلات جهانی - کاری که ایران اسلامی کرد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۵/۱). • جمهوری اسلامی می‌تواند همین مجموعه‌های فعلی جهانی را به این سمت و آن سمتی که درست است، هدایت کند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۱۸). • اگر پرچم اسلام به شکل حکومت - حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی - در این گوشه دنیا بلند نمی‌شد، تحرکات اسلامی در دنیای اسلام، به این فعلیت نمی‌رسید (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۱۹). • ملت ایران و نظام اسلامی به برکت اسلام در مسیر دستیابی به نقطه اوج یک ملت متمدن و قوی حرکت می‌کند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۵/۲۵). 	منزلت‌طلبی و برتری‌گرایی	ترجیحات راهبردی در توسل به زور

<ul style="list-style-type: none"> • جمهوری اسلامی پدیده کوچکی نبوده و تا امروز پدیده‌یی با عظمت‌تر و عمیق‌تر و ماندگارتر از تشکیل نظام جمهوری اسلامی به وجود نیامده است. ... ما در دوران خودمان عمیق‌ترین، مهم‌ترین، ماندگارترین و اصیل‌ترین پدیده در سطح تعامل جهانی و روابط بین‌المللی و حیات انسانی در سطح جهان هستیم (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۵). • وقتی سیاحان بزرگ دنیا به تخت جمشید می‌رسند در مقابل عظمت تمدن گذشته ایران خضوع می‌کنند (هاشمی، ۱۳۷۶). • من از ایران سرفراز آمده‌ام به نمایندگی از ملتی بزرگ و پرآوازه که از ده‌ها قرن پیش صاحب تمدن بوده و پس از پذیرش آیین اسلام، در تاسیس و بسط تمدن اسلامی نقش ممتاز داشته است (خاتمی، ۱۳۷۷). • ملت شریف ایران همچون گذشته تابناک تاریخی‌اش، اندیشه‌ای جهانی دارد (احمدی نژاد، ۱۳۹۱). • ما با مولوی تا این سوی اقیانوس اطلس را در نور دیده‌ایم. ما با سعدی در دل آسیا نفوذ کرده‌ایم. ما با حافظ جهان را فتح کرده‌ایم پس چه نیازی دیگر، به فتح جدید داریم؟! (روحانی، ۱۳۹۶). 		
<ul style="list-style-type: none"> • بنا داریم مستقل باشیم و آزاد باشیم (امام خمینی، ۱۳۵۹/۱۰/۱۴). • ما خودمان می‌خواهیم کارهای خودمان را انجام بدهیم و می‌خواهیم خودمان با کفایت خودمان خودکفا باشیم (امام خمینی، ۱۳۶۱/۱۰/۴). • نباید تحت سلطه خارجی باشیم، نباید آنها دخالت در امور ما بکنند و نباید به ما خط بدهند (امام خمینی، ۱۳۶۴/۸/۱۱). • این پیشرفت نتیجه تکیه بر یک جوهر ذاتی یعنی روحیه استقلال‌خواهی شجاعانه این ملت است که از پابندی اسلامی و حکومت اسلامی سرچشمه می‌گیرد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۵/۱۷). • تأکید بر استقلال کشور، ضرورتی برخاسته از منافع ملی و زمینه‌ساز افزایش قدرت حقیقی ملت و کشور است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۵/۲۷). • استقلال شناخته شده ایران اسلامی یک نقطه احترام‌برانگیز در چشم طراحان سیاسی جهان، سیاستمداران و اداره‌کنندگان کشورهای جهان محسوب می‌شود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۵/۲۵). 	<p>استقلال‌طلبی و خودکفایی</p>	

<ul style="list-style-type: none"> • ملت‌ها و دولت‌ها مجبور نیستند که تابع بی‌عدالتی برخی قدرت‌هایی باشند که شایستگی رهبری و تدبیر امور جهان را از دست داده‌اند (احمدی نژاد، ۱۳۸۶). 		
<ul style="list-style-type: none"> • محال است که جمهوری اسلامی در مقابل دشمنان خدا، چنین حالت طوع و تسلیمی پیدا کند؛ آن‌گاه دیگر جمهوری اسلامی نخواهد بود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۵/۱). • دیپلمات‌های ما باید در مواضع اصولی خود مستحکم بایستند و استقامت و پایداری حضرت امام خمینی (رض) را الگوی خود قرار دهند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۵/۱۵). • وظیفه سفیر و نماینده‌ی جمهوری اسلامی ایران، به‌کارگیری دیپلماسی کیفی، قوی و کارآمد برای پیشبرد «سیاست ضد نظام سلطه» است که لازمه آن نیز ایستادگی منطقی بر اصول انقلاب و مبانی شرعی و رودربایستی نداشتن نسبت به این اصول و مبانی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۲/۹). • تسلیم، انسلام، انظلام، نه در مرحله باورهای قلبی و نه در مرحله عمل و قرارداد، نباید وجود داشته باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۷). • بدون ایستادگی و اعتراض، بی‌عدالتی‌ها، از جهان برچیده نخواهد شد (احمدی نژاد، ۱۳۸۸). • ما بازدارندگی هسته‌ای را نه از سلاح هسته‌ای که از دانش و مهمتر از آن از مقاومت ملت خود بدست آورده‌ایم (روحانی، ۱۳۹۶). 	<p>پایداری و مقاومت</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • یک کشور اسلامی باید هم‌ه‌اش نظامی باشد (امام خمینی). • در حال دفاع، بسیج باید عمومی باشد (امام خمینی). • وقتی با مدیران و سردمداران اینها مواجه می‌شویم، افتخار می‌کنند به اینکه ما بسیجی هستیم و بسیجی عمل می‌کنیم (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۷). 	<p>دفاع همه‌جانبه</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • مصلحت، یعنی مصلحت انقلاب، و این مصلحت همه‌جانبه است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۱۸). • این «توانائی ماندن»، این «اقتدار»، این «ظرفیت بقاء» بایستی حفظ شود. ... باید نظام جمهوری اسلامی را به معنای حقیقی کلمه‌اش حفظ کرد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۲۴). • نظام اسلامی با بقای خود، با ایستادگی خود، با صدق خود در این راه - که ملت ایران نشان داد در این راه صادق است - الهام‌بخش بوده 	<p>حفظ و بقای نظام (مصلحت‌گرایی)</p>	

<p>است و این الهام‌بخشی وجود دارد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۹/۶).</p> <ul style="list-style-type: none"> • توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران، از جمله توانمندی‌های موشکی ایران، تنها جنبه دفاعی و بازدارندگی داشته و برای حفظ صلح و ثبات در منطقه، و جلوگیری از ماجراجویی بیخردان هدف‌گذاری شده است (روحانی، ۱۳۹۶). 		
<ul style="list-style-type: none"> • صلح باید مسلح باشند (امام خمینی). • ما باید مهیا بشویم (برای دفاع از مملکت و اسلام) مهیا شدن یکی این است که با قوه چه قوه افرادی و چه قوای دیگر باید مهیا بشوند. چنانچه قرآن کریم دستور داده است و مهیا شدنمان هم به طوری باشد که با این مهیا شدن بترسند آنهایی که بنای خیال هجمه دارند، دشمنانمان بترسند از قوم (امام خمینی). • سیاست بازدارندگی باید حتماً از موضع اقتدار دنبال شود و گرنه مواضع ناشی از انفعال و ضعف و تسلیم هیچگاه موجب بازدارندگی نخواهد شد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۵/۲۷). • حتی اگر ما را این جور صریحاً هم تهدید نمی‌کردند، لازم بود به حکم «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ»، ما به فکر باشیم؛ حتی اگر تهدید هم نمی‌کردند باید ما این مراقبت را می‌کردیم، این آمادگی‌ها را افزایش می‌دادیم (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱/۳۰). • توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران، از جمله توانمندی‌های موشکی ایران، تنها جنبه دفاعی و بازدارندگی داشته و برای حفظ صلح و ثبات در منطقه و جلوگیری از ماجراجویی بیخردان هدف‌گذاری شده است (روحانی، ۱۳۹۶). 	<p>بازدارندگی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • صدور با سرنیزه، صدور نیست. صدور با زور، صدور نیست. صدور آن وقتی است که اسلام، حقایق اسلام، اخلاق اسلامی، اخلاق انسانی در اینجاها رشد پیدا بکند (امام خمینی، ۱۳۵۹/۱۰/۱۴). • صدور انقلاب به لشکرکشی نیست، بلکه می‌خواهیم حرفمان را به دنیا برسانیم (امام خمینی، ۱۳۶۴/۸/۱۱). • اسلامی که امروز در ایران ارائه شده، برخلاف اسلام طالبانی و همچنین اسلام آمریکایی یا هضم‌شده در فرهنگ غربی، اسلامی است که دارای روشنفکری، پایبندی به عقاید اسلامی، نوآوری و پویایی است... بنابراین برای مسلمانان جهان بسیار جذاب و قابل‌الگو برداری است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۲/۲۳). 	<p>قدرت نرم</p>	

<ul style="list-style-type: none"> • امروز جمهوری اسلامی گردنی برافراشته دارد؛ در حالی که شعارهایی که سی سال پیش می‌داده، امروز در کشورهایی که سی سال با ما دشمنی کردند، دارد تکرار می‌شود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۷). • جمهوری اسلامی ایران به اقتضای مبانی اعتقادی و مایه‌های تمدن دیرپای خود، خواستار جهانی سرشار از صلح و آرامش براساس کرامت انسانی است (خاتمی، ۱۳۷۷). • گفتمان ملت ایران توجه به حقوق انسان‌ها و مطالبه آرامش، صلح، عدالت و پیشرفت در سایه یکتاپرستی برای آحاد بشر است (احمدی نژاد، ۱۳۸۴). • ایران نه می‌خواهد، امپراتوری تاریخی‌اش را احیا کند و نه می‌خواهد، مذهب رسمی‌اش را حاکم کند و نه می‌خواهد انقلابش را با زور سرنیزه صادر کند (روحانی، ۱۳۹۶). 	
--	--



شکل ۶: هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ا. مرتبط با «ترجیحات راهبردی در توسل به زور»

تاثیر فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی بر نقش ملی ج.ا.ا. ایران: تکوین نقش دولت رسالت‌محور

نقش ملی تعریفی است که سیاستگذاران از انواع تصمیمات، تعهدات، قواعد و اقدامات مناسب برای دولت‌شان و وظایفی که دولت‌شان در شرایط گوناگون جغرافیایی ایفا می‌کند، به عمل می‌آورند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۹۸). نقش‌های ملی جمهوری اسلامی ایران تابعی از

هنجارهای فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی است. فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران متشکل از هنجارهایی است که نقش‌های مختلفی را ایجاد می‌کنند. بدین ترتیب، هنجارهای فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران، نقش‌های ملی متعددی را برای آن در عرصه بین‌المللی ایجاد می‌کند. با توجه به تاثیر فرهنگ راهبردی و وزن هنجارهای مختلف آن، می‌توان همه نقش‌های مزبور را ذیل نقش غالب «دولت رسالت‌محور» تعریف کرد که به طور پیوسته پس از پیروزی انقلاب اسلامی (غیر از دولت موقت) ظاهر شده است. در واقع با توجه به هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی بویژه منزلت‌طلبی و برتری‌گرایی و قدرت نرم است که ج.ا.ایران، همواره برای خود رسالتی جهانی و رهایی‌بخش قائل است. دو زیرنقش ایجابی «رهبر جهان اسلام» و «دولت سرمشق» و زیرنقش سلبی «دولت ضدسلطه» که از هنجارهای فرهنگ راهبردی انقلابی ج.ا.ایران سرچشمه می‌گیرند، در سیاست خارجی ج.ا.ایران ذیل نقش دولت رسالت‌محور قرار می‌گیرند که به اجمال تبیین می‌گردد:



شکل ۷: زیرنقش‌های دولت رسالت‌محور

الف- رهبر جهان اسلام

پس از انقلاب اسلامی، هنجارهای منزلت‌طلبی و رسالت‌گرایی در فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران متأثر از دو منبع هویتی اسلام شیعی و تجارب تاریخی ایرانیان تداوم یافته و رهبران جمهوری اسلامی معتقدند که در جهان معاصر، ایران رهبری اسلام انقلابی و وظیفه حمایت از مسلمانان سراسر جهان و حتی ملل غیرمسلمان تحت سلطه و استعمار (تحت عنوان کلی مستضعفان) را بر عهده داشته و نقش و رسالتی بی‌بدیل در امور منطقه‌ای و جهانی دارد (گودرزی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۷). همان‌گونه که گفته شد اسلام مهم‌ترین عنصر قوام‌بخش

فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ایران است. لذا از آنجا که اسلام، دینی جهان شمول و یک جهان بینی آرمان ساز و آرمان خواه می باشد، ج.ا.ایران نیز رسالت جهانی و آرمان های فراملی اسلامی برای هدایت و سعادت کل بشر دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۵۵). بعلاوه، هنجار قدرت نرم و الهام بخشی در فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران، زمینه های رهبری منطقه ای ایران در جهان اسلام را فراهم می نماید. از طرف دیگر، ج.ا.ایران یکی از اهداف سیاست خارجی خود را تلاش برای ایجاد وحدت میان مسلمانان و دفاع از ایشان قرار داده و در این زمینه، رسالت و نقش خاصی برای خود قائل است (ظریف و سجادی، ۱۳۹۳: ۱۳۷). لذا ج.ا.ایران معتقد است که نقشی کلیدی در مناسبات جهانی به عنوان حامی الگوی اسلام انقلابی و نگهبان مسلمانان تحت ستم و غیرمسلمانان ایفا می کند (Eisenstadt, 2015: 6).

ب- دولت سرمشق (کارآمد)

یکی از زیرنقش های ج.ا.ایران مرتبط با نقش «دولت رسالت محور» را می توان زیرنقش «دولت سرمشق (کارآمد)» تعریف کرد. نقش دولت سرمشق از جمله نقش هایی است که کمترین سطح درگیری را در روابط بین الملل ایجاد می کند، زیرا در این نقش نوعی درون گرایی مشاهده می شود که حیطه مسئولیت ها برای دستیابی به اهداف این نقش در درون مرزهای جغرافیایی متمرکز شده است. در نقش دولت سرمشق، دولت از طریق دنبال کردن خط مشی های داخلی خاص خود در پی کسب نفوذ بر دیگر دولت ها است (جعفرزاده و خلیلی، ۱۳۹۲: ۱۲). این نقش نیز برگرفته از هنجارهای منزلت طلبی و برتری طلبی و الهام بخشی در فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران متأثر از دو منبع هویتی اسلام شیعی و تجارب تاریخی ایرانیان است. ادعای برتری در میان کشورهای جهان اسلام، یکی از مشخصات سیاست خارجی ایران پساانقلاب است. با این فرض، جهان اسلام یک امت واحده است و ملاک وحدت امت، رهبری آن است. بنابراین اعتقاد بر این است که پس از انقلاب اسلامی، ایران ام القری شد و همه امت باید از ام القری دفاع کنند (جعفرزاده و خلیلی، ۱۳۹۲: ۴۳).

ت- دولت ضدسلطه

دولت ضدسلطه یکی از زیرنقش‌های ج.ا.ایران به عنوان یک دولت رسالت‌محور است که هنجارهای استقلال‌طلبی و نفی نظام سلطه و بی‌اعتمادی به بیگانگان در فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران، نقش مهمی در قوام آن دارند. در واقع، مخالفت با وضع موجود و حامی ملل محروم و مستضعف بودن از رسالت‌ها و نقش‌های یک دولت با هویت اسلامی انقلابی است (متقی و آزرمی، ۱۳۹۳: ۱۸). با پیروزی انقلاب اسلامی، ج.ا.ایران با وجود ماهیت ثابت نظام دوقطبی، تغییری اساسی در سیاست خارجی خود انجام داد و به جای آنکه خود را با یک ابرقدرت ادغام کند، یک الگوی سیاست خارجی جدید را بر اساس سیاست «نه شرقی، نه غربی» اتخاذ کرد (Dehshiri & Majidi, 2009: 107). در واقع، هویت «اسلامی انقلابی» برگرفته از فرهنگ راهبردی، معیار متفاوتی را برای «خودی‌ها» و «دگرها» در عرصه بین‌المللی ایجاد کرد و ج.ا.ایران را به عنوان ام‌القری جهان اسلام در مقابل غرب بویژه آمریکا به عنوان نماد سلطه‌طلبی در نظام بین‌الملل قرار داد. از طرفی، هنجار مقاومت و پایداری یکی از هنجارهای اساسی در فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران است که در شکل‌دهی و قوام نقش دولت ضدسلطه بسیار موثر است. به‌طور کلی در نظم کنونی بین‌المللی، جمهوری اسلامی خود را به عنوان رهبری بلوک ضدسلطه معرفی می‌کند و ایالات متحده را نماینده سلطه‌گران می‌داند (متقی و آزرمی، ۱۳۹۳: ۸).

تأثیر فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی بر رفتار سیاست خارجی ج.ا.ایران

هنجارهای ملی از جمله فرهنگ راهبردی، نقش کلیدی در شکل دادن به رفتار سیاست خارجی یک کشور دارند. در واقع فرهنگ راهبردی، نقش یک متغیر مستقل را برای درک رفتار سیاست خارجی کشورها ایفا می‌کند و تأثیرگذاری فرهنگ راهبردی بر رفتار سیاست خارجی نیز به واسطه تکوین نقش ملی خاص کشور صورت می‌گیرد که به عنوان یک متغیر واسطه بر رفتار سیاست خارجی تأثیرگذار است. در خصوص تأثیر فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی بر رفتار سیاست خارجی ج.ا.ایران، به نظر می‌رسد که هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی و متعاقباً تکوین نقش دولت رسالت‌محور، منجر به شکل‌گیری و اجرای سه

رویکرد در رفتار سیاست خارجی ج.ا.ایران شده است که عبارتند از: استقلال‌طلبی، فراملی‌گرایی و تجدیدنظرطلبی.

استقلال‌طلبی به معنای تعقیب حداکثر منافع ممکن در نظام بین‌الملل بدون تاثیرپذیری از قدرت‌های خارجی است. فراملی‌گرایی شامل حمایت از مسلمانان و مستضعفان از طریق مشارکت فعال در سازمان‌های اسلامی و جهانی و پشتیبانی از نهضت‌های آزادیبخش است و تجدیدنظرطلبی نیز به معنای تلاش برای تغییر یا اصلاح نظم مستقر بین‌المللی است که در ادامه بررسی می‌گردند:



شکل ۸: رویکردهای رفتاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

الف - استقلال‌طلبی

استقلال و پیشینه‌سازی ابعاد آن همواره یکی از پایه‌های اصلی سیاست خارجی ج.ا.ایران بوده است و ایران تلاش می‌کند وابستگی خود به قدرت‌های خارجی را از بین ببرد (Mohammad Nia, 2011: 285). در واقع با توجه به هنجار استقلال‌طلبی و بی‌اعتمادی به بیگانگان و برتری‌طلبی در فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ایران و متعاقب آن تکوین نقش دولت رسالت‌محور است که رویکرد رفتاری استقلال‌طلبانه توسط ج.ا.ایران در دوران مختلف اجرا شده است. استقلال‌طلبی به معنای تعقیب حداکثر منافع ممکن در نظام بین‌الملل بدون تاثیرپذیری از قدرت‌های خارجی است. بر اساس این هنجار هویتی و نقش دولت مستقل است که بازتاب آن در رفتار استقلال‌طلبانه و غیرمتعهد جمهوری اسلامی ایران نسبت به بلوک‌های قدرت از ابتدای انقلاب با شعار نه شرقی نه غربی مشاهده می‌شود (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰-ب: ۱۷۶). در واقع در جهان کنونی، اصل نابرابری دولت‌های نظم‌دهنده به

سیاست بین‌الملل همواره با انتقاد و مخالفت جمهوری اسلامی روبه‌رو شده است (دهقانی فیروزآبادی و وهاب‌پور، ۱۳۹۲: ۱۹۱).

قرار گرفتن ایران در موقعیت جغرافیایی و ژئوپلتیک بی‌نظیر باعث شده این کشور همواره در طول تاریخ مورد توجه قدرت‌های بین‌المللی و در معرض طمع و تهدید، مداخله و تجاوز آنها قرار گیرد و همین ذهنیت وجود عنصر خارجی، باعث ایجاد نوعی بیگانه‌ستیزی و حس استقلال‌خواهی در ایرانیان و فرهنگ سیاسی و راهبردی آنها شده است. بنابراین، حساسیت ایرانیان نسبت به استقلال کشورشان و اتخاذ رویکرد رفتاری استقلال‌طلبانه، برگرفته از فرهنگ راهبردی آنان است (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۹۸). البته انقلاب اسلامی موجب شد فرهنگ استقلال‌طلبی ایرانیان به آموزه‌های دینی مجهز شود (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۴۸). بنابراین استقلال، یک جنبه مرکزی فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران است که بالتبع موجب قوام نقش دولت رسالت‌محور و اتخاذ رویکرد رفتاری استقلال‌طلبانه توسط ج.ا.ایران شده است (Howard, 2013: 28).

فراملی‌گرایی

یکی از هنجارهای بنیادین در فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ایران، منزلت‌طلبی و برتری‌گرایی است که در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تشدید گردیده است. کشورهای منزلت‌طلب و رسالت‌محور تلاش می‌کنند تا اهداف و رویکرد سیاسی خود را به سایر حوزه‌های جغرافیایی انتقال دهند (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰: ۱۱۹). لذا با توجه به هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی بویژه منزلت‌طلبی و برتری‌گرایی و متعاقب آن تکوین نقش دولت رسالت‌محور است که رویکرد رفتاری فراملی‌گرایی توسط ج.ا.ایران در دوران مختلف اجرا شده است. زیرا با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار حکومت مبتنی بر قوانین اسلام در ایران، لزوم اجرای مسئولیت‌های فراملی که مصداق بارز آن حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و مسلمان و استقرار حکومت جهانی است، در قانون اساسی برای دولت‌ها تعیین گردید. لذا این موضوع در دوران مختلف سیاست خارجی ج.ا.ایران مد نظر قرار داشته و در هر دوره‌ای با توجه به فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی و تکوین نقش ملی

رسالت محوری با رویکردهای متفاوت، جایگاه آن در سیاست خارجی متغیر بوده است. بر این اساس، ج.ا.ایران به عنوان یک دولت با هویت اسلامی، مأموریتی را برای خود تعریف کرده و تعهد نسبت به همه مسلمانان و حمایت از مستضعفان جهان را به عهده گرفته است (Mohammad Nia, 2011: 283). در واقع، جمهوری اسلامی ایران با ترکیب منافع ملی و اهداف فراملی، نقش خاصی را به عنوان تنها دولت انقلابی و دموکراتیک شیعه در جهان ارائه می‌دهد که مبتنی بر هویت ملی و جنبه‌های اسلامی و انقلابی آن است (Dehshiri & Majidi, 2009: 105). بنابراین جمهوری اسلامی ایران از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۱۴). در اینجا تاثیر هنجار صلح عادلانه در فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ایران بر ایفای نقش یک دولت رسالت‌محور آشکار می‌گردد.

البته رویکرد رفتاری فراملی‌گرایی در سیاست خارجی، دارای دو رویکرد ایدئولوژیک یا عمل‌گرایانه است. اگر ایران از ایدئولوژی شیعی و پویای خود به منظور دستیابی به اهداف ایدئولوژیکی در حوزه سیاست خارجی استفاده کند، فراملی‌گرایی ایدئولوژیک را در سیاست خارجی اجرا کرده است و اگر از ایدئولوژی به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد روابط راهبردی دوستانه با دولت‌های ملی در سطح همسایگان یا گروه‌های سیاسی استفاده کند، چنین سیاستی بیشتر عمل‌گرایانه و در چارچوب حفظ امنیت و منافع ملی ایران است (متقی و سلطانی، ۱۳۹۲: ۴۵). دو نقش ایجابی «رهبر جهان اسلام» و «دولت سرمشق» که از هنجارهای فرهنگ راهبردی و هویت اسلامی انقلابی ج.ا.ایران سرچشمه می‌گیرند، در سیاست خارجی ج.ا.ایران ذیل نقش دولت رسالت‌محور قرار می‌گیرند که بر اساس آنها رویکرد رفتاری فراملی‌گرایی با دو رویکرد مزبور توسط جمهوری اسلامی ایران اجرا شده است که در ادامه به اختصار بررسی می‌شوند:

فراملی‌گرایی ایدئولوژیک

اسلام مهم‌ترین عنصر قوام‌بخش هویت ج.ا.ایران است که نقش و کارکرد آن در حوزه‌های داخلی و خارجی را تعیین و تعریف می‌کند. لذا از آنجا که اسلام، دینی جهان‌شمول و یک

جهان‌بینی آرمان‌ساز و آرمان‌خواه می‌باشد، ج.ا.ایران نیز رسالتی جهانی و آرمان‌هایی فراملی برای هدایت و سعادت کل بشر تعریف کرده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۵۵). بر همین اساس، پس از انقلاب اسلامی، دولت ایران بر اساس آنکه دنیا را به گونه‌ای دیگر می‌دید و هویت متفاوتی را برای خود قائل بود، خود را در نقش ملجا و پناهگاه مسلمانان و مستضعفان جهان می‌دانست (جوادی ارجمند و چابکی، ۱۳۸۹: ۵۴). لذا با توجه به اینکه بسیاری از هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ایران برگرفته از مبانی اسلام شیعی است که متعاقباً موجب تکوین نقش دولت رسالت‌محور و همچنین رهبر جهان اسلام برای ج.ا.ایران گردیده است، رویکرد رفتاری فراملی‌گرایی ایدئولوژیک توسط ج.ا.ایران اجرا شده است. در رویکرد رفتاری فراملی‌گرایی ایدئولوژیک، انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب ملی و محدود نیست بلکه انقلاب اسلامی ایران ماهیت و هویتی فراملی و فرامرزی دارد.

همچنین با توجه به اینکه یکی از هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ایران، الهام‌بخشی است، بنابراین دولت رسالت‌محور جمهوری اسلامی ایران، استفاده از قدرت نرم و الهام‌بخشی و نرم‌افزارگرایی را در رویکرد رفتاری خود تحت عنوان فراملی‌گرایی ایدئولوژیک در عرصه بین‌المللی نمایان کرده است (ظریف و سجادی، ۱۳۹۳: ۱۳۷).

فراملی‌گرایی عمل‌گرایانه

همان‌گونه که بیان شد یکی از نقش‌های ج.ا.ایران مرتبط با نقش «دولت رسالت‌محور»، نقش «دولت سرمشق (کارآمد)» است. با توجه به هنجارهای منزلت‌طلبی و برتری‌گرایی در فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ایران و متعاقب آن تکوین نقش دولت سرمشق است که رویکرد رفتاری فراملی‌گرایی با رویکردی عمل‌گرایانه توسط ج.ا.ایران در برخی از مقاطع اجرا شده است؛ زیرا نقش دولت سرمشق از جمله نقش‌هایی است که کمترین سطح درگیری را در روابط بین‌الملل ایجاد می‌کند. هرچند در این نقش، نوعی درون‌گرایی مشاهده می‌شود که حیطة مسئولیت‌ها، برای دستیابی به اهداف این نقش، در درون مرزهای جغرافیایی متمرکز شده است؛ لکن در نقش دولت سرمشق، دولت از طریق دنبال کردن خط‌مشی‌های داخلی خاص خود در پی کسب نفوذ بر دیگر دولت‌ها نیز هست (جعفرزاده و خلیلی، ۱۳۹۲: ۱۲). لذا

ج.ا.ایران مبتنی بر نقش دولت رسالت محور و دولت سرمشق، رویکرد رفتاری فراملی گرایی عمل گرایانه را دنبال کرده است که تاکید آن بر ارتقای توان داخلی به منظور تاثیر گذاری بر سایر کشورها به عنوان یک دولت نمونه اسلامی است.

تجدید نظر طلبی

زیرنقش سلبی «دولت ضدسلطه» که از هنجارهای فرهنگ راهبردی و هویت اسلامی انقلابی ج.ا.ایران سرچشمه می گیرد، در سیاست خارجی ج.ا.ایران ذیل نقش دولت رسالت محور قرار می گیرد که بر اساس آن، رویکرد رفتاری خاصی توسط ایران اجرا شده است که می توان آن را تجدید نظر طلبی نامید. تجدید نظر طلبی به عنوان نارضایتی برای تغییر الگوی موجود و تخصیص منابع مادی یا معنایی از طریق بکارگیری ابزارهای نظامی یا غیرنظامی در نظر گرفته می شود (Behraves, 2018: 3). در واقع، تجدید نظر طلبی در نظام بین الملل به معنای نارضایتی از وضع موجود، تلاش برای شالوده شکنی آن و ایجاد نظم مطلوب و مورد رضایت در نظام بین الملل است. تجدید نظر طلبی گاهی برای به دست آوردن جایگاهی بهتر در مناسبات بین المللی و گاهی برای احیای غرور و عظمت از دست رفته یک ملت است (رسولی ثانی آبادی و عسکری، ۱۳۹۵: ۱۲۳). به عبارت دیگر، تجدید نظر طلبی دولتی گونه ای از رفتار سیاست خارجی یک کشور است که اعتقادات و ترجیحات خود را در مقابل نیروها و نهادها و نظم منطقه ای یا بین المللی قرار می دهد (Behraves, 2018: 2). بنابراین بخش عمده ای از رفتارهای سیاست خارجی ایران در مقابل غرب و بویژه آمریکا برگرفته از نقش دولت رسالت محور و دولت ضدسلطه است که مبتنی بر هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی تعریف شده است. در واقع، می توان ادعا کرد که مهمترین علامت رفتاری سیاست خارجی ج.ا.ایران در چهار دهه گذشته، تجدید نظر طلبی و مقابله با نظام سلطه بوده است. بنابراین سیاست خارجی ایران بر همین پایه، به خصوص نفی سلطه و عدم انطباق نسبت به هژمون، تصمیم گیری و رفتار نموده است (Dehghani Firouzabadi, 2008: 18). زیرا جمهوری اسلامی ایران نظام بین الملل را به عنوان نظامی ناعادلانه می بیند که باید یک نظم درست و منصفانه جایگزین آن شود (Mohammad Nia, 2011: 288). در واقع، رویکرد

رفتاری تجدیدنظرطلبی، بیان‌گر نقش ستیزشی و تغییر وضع موجود است که نقشی مخالف وضع موجود و برهم‌زننده است (رنجبر، ۱۳۸۱: ۶۳). انجام این رسالت که جمهوری اسلامی آن را بر عهده گرفته است، بر اساس برداشتی فراملی گرایانه و عدالت‌محور قرار دارد (جوادی ارجمند و چابکی، ۱۳۸۹: ۴۷).

هنجار مقاومت و پایداری نیز یکی از هنجارهای اساسی در فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ایران است که در شکل‌دهی و قوام هویت اسلامی و نقش دولت ضدسلطه و بالتبع اتخاذ رویکرد رفتاری تجدیدنظرطلبی بسیار موثر بوده است. علاوه بر این، دو هنجار مهم مقابله با ظالم و دفاع از مظلوم و بیگانه‌هراسی در فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ایران نیز باعث به وجود آمدن نقش دولت ضدهژمون شده است که باعث می‌شود دولت ج.ا.ایران خود را به عنوان دولت «عدالت‌خواه» در برابر دولت‌های «استعماری و استبدادی» قرار دهد و بدین ترتیب، مرزهای هویتی میان خود و دنیای بیرون را ترسیم کند (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰-الف: ۹۸). یعنی در نظم کنونی بین‌الملل، جمهوری اسلامی خود را به عنوان رهبری بلوک ضدسلطه معرفی می‌کند و ایالات متحده را نماینده سلطه‌گران می‌داند و لذا نظم کنونی باید به یک نظم عادلانه تغییر یابد (متقی و آزرمی، ۱۳۹۳: ۸) افزون بر این، احساس غرور و افتخار به عنوان یک هنجار مهم در شکل‌دادن به فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران، موجب می‌شود که ایران خود را در نقش یک رهبر منطقه‌ای که باید مبارزه علیه ایالات متحده در خاورمیانه را هدایت کند، در نظر بگیرد (DeGroot and others, 2008: 23). بنابراین رهبران انقلاب اسلامی با تأکید بر هنجارهای فرهنگ راهبردی، در برابر وابستگی به غرب مقاومت می‌کنند و جدال با آن را به عنوان بخشی از رسالت سیاسی و ایدئولوژیک خود تلقی می‌نمایند (متقی و آزرمی، ۱۳۹۳: ۱۷).



شکل ۹: تاثیر فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی بر رفتار سیاست خارجی ج.ا.ایران

نتیجه‌گیری

فرهنگ راهبردی نقش یک متغیر مستقل را در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی برای درک رفتار کشورها ایفا می‌کند و کشورهایی که در فرهنگ راهبردی خود دارای عناصر و مولفه‌های فرهنگی خاصی هستند، سیاست خارجی متفاوتی را دنبال می‌نمایند. با توجه به باورها و نگرش‌های بین‌الذهانی برگرفته از تاریخ و مذهب، منابع اصلی فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران شامل اسلام شیعی، تجارب تاریخی ایرانیان، موقعیت ژئوپلیتیک و نظام بین‌الملل است. به علاوه فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران دارای هنجارهای خاص و منحصر به فردی شامل صلح‌طلبی عادلانه و جهاد دفاعی و مقابله با ظالم و دفاع از مظلوم، نفی نظام سلطه و بی‌اعتمادی به بیگانگان، منزلت‌طلبی و برتری‌گرایی، پایداری و مقاومت، حفظ و بقای نظام (مصلحت‌گرایی)، استقلال‌طلبی و ... است. هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی باعث تکوین نقش «دولت رسالت‌محور» برای ج.ا.ایران شده است. دو زیرنقش ایجابی «رهبر جهان اسلام» و «دولت سرمشق» و زیرنقش سلبی «دولت ضدسلطه» که از هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی ج.ا.ایران سرچشمه می‌گیرند، ذیل نقش دولت رسالت‌محور قرار دارند.

بر این اساس، با توجه به هنجارهای فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی بویژه منزلت‌طلبی و برتری‌گرایی و استقلال‌طلبی و متعاقب آن تکوین نقش دولت رسالت‌محور است که رویکردهای رفتاری سیاست خارجی ج.ا.ایران شامل استقلال‌طلبی، فراملی‌گرایی و تجدیدنظرطلبی بوده است. بنابراین دولت‌های پس از انقلاب در ایران (غیر از دولت موقت)، همگی رسالت‌محوری را مبنای سیاست خارجی خود قرار داده‌اند و جهت‌گیری و رویکرد رفتاری تقریباً یکسانی بر اساس آن داشته‌اند؛ لکن با توجه به نوع تفسیر و برداشت هر دولت از نقش ملی، رویکردهای رفتاری دارای نوساناتی بوده است. بدین ترتیب، رفتارهای سیاست خارجی ج.ا.ایران به دلیل برداشت متفاوت نخبگان سیاسی از فرهنگ راهبردی در دوره‌های مختلف، رویکرد نوسانی و سینوسی میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی داشته؛ لکن رفتار آن شامل رویکردهای استقلال‌طلبی، فراملی‌گرایی و تجدیدنظرطلبی ثابت بوده است و با فراز و فرودهایی توسط ج.ا.ایران در دوران مختلف اجرا شده است. از طرف دیگر، با توجه به قوام‌بخشی متقابل ساختار و کارگزار، رفتارهای سیاست خارجی

ج.ا.ایران موجب بازتولید هنجارهای فرهنگ راهبردی گردیده است.



منابع

الف - فارسی

- برگر، تامس. یو، (۱۳۹۰)، «هنجارها، هویت و امنیت ملی در آلمان و ژاپن»، در کتاب فرهنگ امنیت ملی، هنجارها و هویت در سیاست جهانی، ویراسته پیتیر جی کتزنشتاین، ترجمه محمدهادی سمتی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جانستن، آلاستر آین، (۱۳۹۰)، «واقعگرایی فرهنگی و استراتژی در چین مائوئیست»، در کتاب فرهنگ امنیت ملی، هنجارها و هویت در سیاست جهانی، ویراسته پیتیر جی کتزنشتاین، ترجمه محمدهادی سمتی، چاپ اول، جلد اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- چیرسن، رونالد ال، الکساندر ونت و پیتیر جی کتزنشتاین، (۱۳۹۰)، «هنجارها، هویت و فرهنگ در امنیت ملی»، در کتاب فرهنگ امنیت ملی، هنجارها و هویت در سیاست جهانی، (جلد اول)، ویراسته پیتیر جی کتزنشتاین، ترجمه محمدهادی سمتی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جعفرزاده، حسین و محسن خلیلی، (۱۳۹۲)، «نقش‌های ملی و پیدایش قدرت نرم: تحلیل کمی گفتارها/نوشتارهای مقام معظم رهبری (۱۳۸۸-۱۳۶۸)»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال سوم، شماره ۹.
- جوادی ارجمند، محمدهادی و ام‌البین چابکی، (۱۳۸۹)، «هویت و شاخص‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۱.
- حیدری، شقایق، (۱۳۹۳)، «فرهنگ راهبردی ایران؛ زمینه‌های تاریخی و بسترهای اجتماعی»، فصلنامه پژوهشنامه دفاع مقدس، شماره ۱۰.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۸۸)، «منابع ملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، شماره ۱۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و پیمان وهاب‌پور، (۱۳۹۲)، امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۳)، چرخه‌گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ از دولت بازرگان تا دولت روحانی، چاپ اول، تهران: مخاطب.

- رسولی ثانی آبادی، الهام، (۱۳۹۰-الف)، «مبانی بینادذهنتی هویت نظام ج.ا.ا»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۱.
- رسولی ثانی آبادی، الهام، (۱۳۹۰-ب)، «هویت و سیاست هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران»، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- رسولی ثانی آبادی، الهام و سید محسن میرحسینی، (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل شکل دهنده به سیاست هسته‌ای دولت اعتدال بر اساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا»، فصلنامه راهبرد، شماره ۷۴.
- رسولی ثانی آبادی، الهام و امیرحسین عسگری، (۱۳۹۵)، «بررسی جهت‌گیری تجدیدنظرطلبی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۳۸۴) بر اساس الگوی سیستمیک روابط بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۰، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵.
- سلیمی، حسین، (۱۳۸۶)، «نگرشی سازه‌نگارانه به هویت ملی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره ۳.
- ظریف، محمدجواد و سید مهدی سجادی، (۱۳۹۳)، «صورت‌بندی گفتمان مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۲۰.
- قنبرلو، عبدالله، (۱۳۹۱)، «فرهنگ راهبردی و دفاع ملی؛ مطالعه موردی جنگ تحمیلی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۷.
- کاربو، جولیت، جفری اس. لنتیس و رایان کی. بیسلی، (۱۳۹۳)، «تحلیل سیاست خارجی در رهیافت مقایسه‌ای»، در کتاب مقدمه‌ای بر تحلیل سیاست خارجی، علیرضا خسروی و مهدی میرمحمدی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گودرزی، سهیل و احمد سلطانی‌نژاد و مصطفی زهرانی و محسن اسلامی، (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در پرتو فرهنگ راهبردی»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۳۹.
- متقی، ابراهیم و علی آزرمی، (۱۳۹۳)، «گفتمان سیاست خارجی دهه چهارم انقلاب اسلامی (تعامل‌گرایی ضد نظام هژمونیک) از منظر تئوری سازه‌نگاری»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۴.
- متقی، ابراهیم و زهره پوستین‌چی، (۱۳۹۰)، «الگو و روند در سیاست خارجی ایران»، چاپ

اول، قم: دانشگاه مفید.

- متقی، ابراهیم و اسماعیل سلطانی، (۱۳۹۲)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به عراق و تاثیر آن بر جایگاه منطقه‌ای ایران»، فصلنامه دانش سیاسی و بین‌المللی، سال دوم، شماره ۵.

- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۳)، «سازهانگاری به عنوان فرانظریه روابط بین‌الملل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۵.

- هالستی، کی.جی، (۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ب- انگلیسی

- Afrasiabi, Kaveh and Abbas Maleki, (2003), "Iran's Foreign Policy after 11 September", *The Brown Journal of World Affairs*, Winter/Spring 2003, Volume IX, Issue 2.

- Balamir, Bezen, (2007), *Does "Strategic Culture" Matter? Old Europe, New Europe and the Transatlantic Security*, Perceptions, Summer-Autumn 2007.

- Behraves, Maysam, (2018), "State Revisionism and Ontological (in) Security in International Politics: the Complicated Case of Iran and its Nuclear Behavior", *Journal of International Relations and Development*, Vol. 21, No. 4, <https://doi.org/10.1057/s41268-018-0149-x>.

- Dehghani Firouzabadi, S. J., (2008), "Emancipating Foreign Policy: Critical Theory and Islamic Republic of Iran's Foreign Policy", *The Iranian Journal of International Affairs*, Vol. XX, No. 3.

- Dehshiri, M. R. & M.R. Majidi, (2009), "Iran's Foreign Policy in Post-Revolution Era: A Holistic Approach", *The Iranian Journal of International Affairs*, Vol. XXI, No. 1-2.

- DeGroot, Mikaela and others, (2008), *Deconstructing Iranian Speech: A Strategic Culture Analysis*, Workshop in Public Affairs, International Issues Public Affairs, 12 May 2008.

- Eisenstadt, Michael, (2015), "The Strategic Culture of the Islamic Republic of Iran: Operational and Policy Implications", *Middle East Studies*,

Marine Corps University, August, No.1.

- Finnemore, Martha and Kathryn Sikkink, (2001), "TAKING STOCK: The Constructivist Research Program in International Relations and Comparative Politics", *Annual Review of Political Science*, No. 4.

- Graham, Melanie, (2014), *Redefining Strategic Culture*, The University of Northern British Columbia, June 2014.

- Gray, Colin S., (2006), "Out of the Wilderness: Prime Time for Strategic Culture", *Comparative Strategic Cultures Curriculum*, October 2006.

- Haji-Yousefi, Amir M., (2010), "Iran's Foreign Policy during Ahmadinejad: From Confrontation to Accommodation", *Alternatives: Turkish Journal of International Relations*, Vol. 9, No. 2.

- Lebow, Richard Ned, (2008), *A Cultural Theory of International Relation*, New York, Cambridge.

- Lauterbach, Toby, (2011), *Constructivism, Strategic Culture, and the Iraq War*, ASPJ Africa & Francophonie - 4th Quarter 2011.

- McInnis, J. Matthew, (2015), *Iran's Strategic Thinking Origins and Evolution*, American Enterprise Institute, May 2015.

- Meyer, Christoph O., (2004), "Theorising European Strategic Culture between Convergence and the Persistence of National Diversity", *Cepsworking Document*, No. 204.

- Mohammad Nia, Mahdi, (2010), "Understanding Iran's Foreign Policy: An Application of Holistic Constructivism, Alternatives", *Turkish Journal of International Relations*, Vol. 9, No. 1.

- Mohammad Nia, Mahdi, (2011), "A Holistic Constructivist Approach to Iran's Foreign Policy", *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 2, No. 4.

- Neumann, Iver B. & Henrikki Heikka, (2005), "Grand Strategy, Strategic Culture, Practice: The Social Roots of Nordic Defence' Cooperation and Conflict", *Journal of the Nordic International Studies Association*, Vol. 40, No. 1.

- Piet, Rémi and Licinia Simão, (2016), *Security in Shared Neighbourhoods Foreign Policy of Russia, Turkey and the EU*, London:

Palgrave Macmillan.

- Rosa, Paolo, (2014), "The Accommodationist State: Strategic Culture and Italy's Military Behavior", *International Relations*, 2014, Vol. 28, No. 1.

- Rynning, Sten, (2003), "The European Union: Towards a Strategic Culture?", *Security Dialogue*, Vol. 34, No. 4.

- Scobell, Andrew, (2002), *China and Strategic Culture*, Carlisle, PA: U.S. War College, Strategic Studies Institute (SSI), May 2002.

- Stanley, Willis, (2006), *The Strategic Culture of the Islamic Republic of Iran*, Comparative Strategic Cultures Curriculum, Defense Threat Reduction Agency Advanced Systems and Concepts Office, October 31, 2006, 17, Available at: www.fas.org/irp/agency/dod/dtra/iran.pdf (accessed June 28, 2011), 31 October 2006.

- Strain Frederick R., (1996), "Discerning Iran's Nuclear Strategy: An Examination of Motivations", Strategic Culture, and Rationality, (A Research Report Submitted to Faculty of the U.S. Air War College, Maxwell Air Force Base, AL, 15 April 1996).

